

بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی و راهکارهای پیشگیری

دکتر رضاعلی محسنی، عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گرگان

مقدمه

پدیده کودکان خیابانی (*Street Children*) یکی از آسیب‌های اجتماعی است که نه تنها بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های آینده جامعه هستند در معرض انواع آسیب‌های قرار داده، بلکه جامعه را نیز با زیان‌های فراوانی روبه‌رو ساخته است.

امروزه از این پدیده به‌عنوان یک مسئله (*Problem*) یا مشکل اجتماعی نام می‌برند که از دیر باز در کشورهای مختلف وجود داشته و در دهه‌های اخیر به دلایل گوناگون افزایش یافته است.

پدیده خیابان‌گردی هم در کشورهای در حال توسعه و هم در جوامع توسعه یافته، یافت می‌شود؛ به‌طوری که شمار چنین افرادی در سراسر جهان به ۱۴۵ میلیون نفر می‌رسد و بیش‌تر آنان در قاره‌های آسیا و آمریکا زندگی می‌کنند. بیش‌تر این کودکان در میدان‌های بزرگ پایانه‌های مسافری، پارک‌ها و بوستان‌ها زندگی می‌کنند و به مشاغلی از قبیل روزنامه‌فروشی، گل‌فروشی در چهارراه‌ها، وزن‌کشی، فروش فال، تکدی‌گری، فروش کیسه پلاستیک و آدامس، پاک کردن شیشه اتومبیل و مانند آن مشغولند و از بیکاری و نداشتن امید به آینده رنج می‌برند.

مسئله کودکان خیابانی به واسطه عدم انسجام خانواده‌ها، فقر و مرگ والدین در کشمکش‌های مسلحانه، جدی و جدی‌تر می‌شود. کودکان به بخش کم‌تر مستقل جامعه بدل شده و به ذخیره جرایم سازمان‌یافته، مشارکت در کشمکش‌های مسلحانه، ابزار کسب پول از طریق قاچاق انسان و استثمار جنسی تبدیل می‌شوند.

طبق پیمان‌نامه حقوق کودک که ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به عضویت آن درآمده است، کودکان و نوجوانان علاوه بر حقوق دیگر، حق زندگی، بقا و رشد دارند و نیز حق زندگی در کانون خانواده از حقوقی است که برای کودکان و نوجوانان طبیعی شمرده شده و دولت‌های عضو پیمان‌نامه را ملزم به رعایت و تحقق آن دانسته است. (یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل)

بنابراین، با هدف شناخت پدیده کودکان خیابانی، ابعاد آسیب‌شناختی و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی و فراهم‌سازی شرایط سالم محیط اجتماعی و خانواده، این مسئله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

تعریف مفاهیم و تیپولوژی کودکان خیابانی

از نظر یونیسف (۱۹۹۷) کودکان خیابانی، به کودکانی اطلاق می‌شود که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقای خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها هستند. به گزارش یونسکو، کودکان خیابانی، کودکان و نوجوانان ولگرد و آواره‌ای هستند که از خانه و کاشانه خود بریده‌اند و در خیابان‌ها با گدایی و دستفروشی و نظایر آن روزگار می‌گذرانند و در کوچه‌ها و پیاده‌روها می‌خوابند.

از نظر مسائل کیفری، پایان کودکی در دختران ۱۴ سال و در پسران پانزده سال تمام است. مطابق ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند» و تبصره یک همان ماده مقرر داشته است که «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است» بلوغ شرعی طبق مقررات قانون مدنی در دختر ۱۴ سال تمام و در پسر پانزده سال تمام قمری است. بنابراین، کودکی دختر در خصوص مسائل کیفری در ۱۴ سالگی و در پسر پانزده سالگی به پایان می‌رسد. (عبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

در یک تعریف جامع از «کودک خیابانی» می‌توان گفت، کودک خیابانی به تمام کودکانی اطلاق می‌شود که بیش‌تر وقت خود را در خیابان می‌گذرانند، چه مشغول به کار باشند و چه نباشند، چه با خانواده خود در ارتباط باشند و چه نباشند و یا خانواده نداشته باشند. (محمدی، ۱۳۷۷: ۴)

کودک خیابانی را می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی نمود.

سازمان بهداشت جهانی (*WHO*) کودکان خیابانی را به چهار گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

- ۱_ کودکان خیابانی که خانه و خانواده ندارند و در خیابان به سر می‌برند.
- ۲_ کودکانی که به دلایل مختلف از خانواده خود جدا شده‌اند و با دوستان خود یا در نقاط متروک زندگی می‌کنند.
- ۳_ کودکانی که قبلاً بی‌خانمان بوده‌اند و در حال حاضر در سر پناه‌ها یا مراکز خاص نگهداری می‌شوند.
- ۴_ کودکانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند اما به‌علت فقر یا مشکلات دیگر بیش‌تر وقت خود را در خیابان می‌گذرانند.

برخی از این کودکان به کارهای گوناگون در خیابان مشغولند و کودکان کار و خیابان را تشکیل می‌دهند.

این پدیده را از یک نگاهی دیگر می‌توان به سه دسته عمده طبقه‌بندی نمود:

۱_ آن‌هایی که هیچ ارتباطی با خانواده خود ندارند، شامل کودکان بی‌کس، بی‌خانمان، رانده شده (سرراهی)، فراموش شده، فراری، گمشده، دزدیده شده و استثمار شده (چه آن‌هایی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند و چه آن‌هایی که از نظر جسمی بر آن‌ها ستم رفته است).

۲_ آن‌هایی که فقط گاهی با خانواده خود در ارتباط هستند.

۳_ آن‌هایی که همراه خانواده در خیابان‌ها، ترمینال‌ها، پارک‌ها و گوشه و کنار شهرها زندگی و کار می‌کنند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان کودکان خیابانی را به دو دسته عمده تقسیم نمود:

۱_ کودکان خیابان (*Children of the Street*):

این گروه شامل آن دسته از کودکانی‌اند که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند و روابط بسیار کمی با خانواده خود دارند یا اصلاً خانواده ندارند و یا روابط خود را با آن قطع کرده‌اند.

۲_ کودکان در خیابان (*children on the street*):

این‌ها کودکانی‌اند که عموماً در طول روز در خیابان هستند و شب‌ها به منزل برمی‌گردند. این کودکان اغلب کمک معاش خانواده خود می‌باشند. کودکان خیابان (دسته اول) را با مفاهیم و اصطلاحاتی چون «کارتن خواب‌ها»، «قطار خواب‌ها»، «اتوبوس خواب‌ها»، «سینما خواب‌ها» نام می‌برند. (کاشفی، اسمعیل‌زاده. ۱۳۷۸: ۳۲) کارتن خواب‌ها کسانی‌اند که شب‌ها را در خیابان می‌گذرانند. به عبارتی، شب در کنار تهویه مغازه‌ها، سازمان‌ها، در خرابه‌ها یا روی چمن‌ها و اگر بتوانند در مساجد یا اماکن مذهبی می‌خوابند.

اتوبوس خواب‌ها کسانی‌اند که در روز کارهای خود را انجام می‌دهند و شب به ترمینال می‌روند، بلیط اتوبوس تهیه می‌کنند و تا صبح که به مقصد برسند، در اتوبوس می‌خوابند.

قطار خواب‌ها کسانی‌اند که در قطار اقدام به جیب‌بری و دزدیدن ساک و چمدان مسافرها می‌کنند و شب‌ها را هم در قطار می‌خوابند.

سینما خواب‌ها شب‌ها اغلب به سرقت مغازه‌ها یا منازل، وسایل اتومبیل و یا صندوق‌های خیریه مشغولند و روز را در سینما می‌خوابند.

در رابطه با کودکان در خیابان (دسته دوم) اصطلاحاتی همانند «بچه‌های پارک»، «بچه‌های معروف» باب شده است. بچه‌های پارک، بیش‌تر اوقات در پارک‌ها هستند. آن‌ها در پارک‌های بزرگ و معروف شهر روزگار می‌گذرانند. (حاج نوروزی، ۱۳۷۷: ۳ به نقل از کاشفی اسمعیل‌زاده ۱۳۷۸) بچه‌های معروف، اغلب به بچه‌هایی اطلاق می‌شود که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند و بیش‌تر اوقات با لباس‌های شیک و پول‌های تو جیبی فراوان و سوار بر ماشین‌های گران‌قیمت در بالای شهر جولان می‌دهند. دختر معروف، اغلب دخترهایی فراری‌اند که هر کدام در یک منطقه شهری معروف می‌شوند و برای خودشان لقبی دارند و کارهای خلاف می‌کنند و اسامی خاص خود را دارند.

کودکان خیابانی با وجود تفاوت‌هایی که با یک‌دیگر دارند در یک مورد مشترکند و آن این است که بیش‌ترین وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و در نتیجه، از بسیاری از حقوق و نیازهای اولیه خود مانند آموزش، بهداشت، امنیت، تغذیه و... محروم‌اند.

کودکان خیابانی: آمار و واقعیت‌ها

اهمیت توجه به مسائل کودکان خیابانی با تعداد زیاد نمونه‌ها در سراسر جهان اثبات می‌شود. در سال ۱۹۹۲م، برآورد شده بود که آفریقا دارای شانزده میلیون کودک خیابانی می‌باشد و پیش‌بینی شده بود این رقم در سال ۲۰۰۰م، دو برابر می‌شود. در همین دوره زمانی انتظار می‌رفت تعداد کودکان در موقعیت‌های به‌ویژه مشکل از هشتاد میلیون نفر به یک‌صد و پنجاه میلیون نفر افزایش یابد. این وضعیت در سایر مناطق و کشورها نیز وضعیت اسفباری دارد.

با احتیاط می‌توان برآورد کرد که بیش از ۱۳۰۰۰ کودک خیابانی در مکزیکوسیتی زندگی می‌کنند که نود درصد آن‌ها قربانی برخی انواع بهره‌کشی جنسی می‌شوند. در سال ۲۰۰۰م، ۲۸۰۰۰ کودک خیابانی به‌طور رسمی در شهر مسکو گزارش شده‌اند و در سال گذشته جمعیت جوان خیابانی به ۳۲۰۰۰ نفر

رسیده است که بیست درصد آن‌ها اهل مسکو بوده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر بیش از ۱۴۵ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارند.

قاره‌های آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به ترتیب بیش‌ترین کودکان خیابانی را به خودشان اختصاص داده‌اند. بر اساس آمار گزارش شده، حدود ۲۵۰ میلیون کودک زیر سن قانونی کار و در کشورهای جهان سوم به کار اشتغال دارند که بخشی از آنان کودکان خیابانی‌اند و در نتیجه به آمار کودکان خیابانی افزوده می‌شود. (اندیشه جامعه، ۱۳۷۸ به نقل از: قاسم‌زاده: ۲۵۰)

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، شمار شاغلان ۱۰ تا ۱۴ سال را معادل ۱/۴۷ درصد از کل شاغلان این سال، یعنی ۲۴۱ هزار نفر بیان کرده است. با این حساب، شمار شاغلان ۶ تا ۱۴ سال با توجه به معیار بالا باید رقم ۵۳۳ هزار نفر باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰)

شمار کودکان شاغل در سال ۱۳۷۵ که بیش از ۵۹۰ هزار نفر بوده است (رئیس دانا، ۱۳۷۹) نه تنها در سال ۱۳۸۱ کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز داشته است. حدود ۲۵۰ هزار نفر از کودکان ۴ تا ۱۴ سال به کار توأم با دریافت مزد اشتغال دارند. استان‌های زنجان، قزوین و آذربایجان غربی در صدر فهرست قرار دارند.

واقعیت این است که در کشور ما آمار و اطلاعات دقیقی در مورد کودکان خیابانی وجود ندارد. بر اساس آمارهای رسمی، تعداد آن‌ها ۲۰ هزار نفر است. آمارهای غیر رسمی این تعداد را بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌کنند. آن‌چه مسلم است با توجه به شرایط موجود، تعداد کودکان خیابانی در کشور ما به‌ویژه در شهرهای بزرگ رو به افزایش است، تا جایی که مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی اظهار می‌دارد که تعداد کودکان خیابانی در سطح استان تهران در سال ۱۳۸۱، ۱۴۵۰ مورد بوده است که این رقم در شش ماهه اول ۱۳۸۲ به ۱۲۷۰۸ مورد افزایش یافته است. (روزنامه ایران، ۳ دی‌ماه ۱۳۸۲)

عوامل مؤثر بر بروز و گسترش پدیده کودکان

ظهور و گسترش پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را می‌بایستی در قالب منظومه‌ای از مفاهیم و متغیرهای تأثیرگذار و به‌صورت چند بعدی تحلیل نمود. در همین راستا پدیده کودکان خیابانی را باید بر مبنای علل و عوامل متعددی بررسی نمود.

در مطالعه منابع مرتبط با موضوع و جمع‌بندی نظریات کارشناسان، مهم‌ترین عوامل عبارتند از:

- ۱_ عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه و وجود فاصله شدید طبقاتی.
- ۲_ عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت.
- ۳_ فقر، بیکاری و ناکافی بودن درآمد.
- ۴_ مهاجرت داخلی (مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ)
- ۵_ مهاجرت بین‌المللی (در سال ۱۳۷۷، ۵۵ درصد کودکان خیابانی که در زاهدان به‌طور اتفاقی مصاحبه شده‌اند، افغانی بوده‌اند).
- ۶_ بالا بودن هزینه‌های تحصیلی و جذابیت نداشتن نظام آموزشی.
- ۷_ فقدان یا نارسایی قوانین حمایتی برای کودکان خیابانی.
- ۸_ فقدان یا ضعف مشارکت دولت‌ها با مردم در کنترل و محدود ساختن پدیده کودکان خیابانی.
- ۹_ فقدان نهادها یا سازمان‌هایی که مسئول مستقیم رسیدگی به مشکلات کودکان خیابانی شوند.
- ۱۰_ جنگ و اغتشاشات داخلی.
- ۱۱_ محیط خانوادگی (خانواده پرجمعیت، خانواده‌های پرتنش، جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، وجود ناپدیری و نامادری، بیماری‌های روانی والدین)
- ۱۲_ تبعیض و بی‌عدالتی (در خانه، مدرسه و اجتماع)
- ۱۳_ عوامل فردی (زیستی و روانی) نظیر ویژگی‌های شخصیتی کودکان، بحران هویت، فرار از خانه و مدرسه، بحران بلوغ، ناکامی در آرزوها.
- ۱۴_ اغفال دوستان و همسالان (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، دانش، ۱۳۷۲ و کاشفی اسمعیلی، ۱۳۷۸)

آسیب‌شناسی، بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی

در کشورهای دنیا از جمله در ایران، ضرورت پرداختن به مسئله کودکان خیابانی به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

۱_ کودکان خیابانی پدیده‌ای روبه رشد در جامعه ماست.

۲_ کودکان خیابانی از محروم‌ترین کودکانی هستند که از بیش‌ترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند و ضرورت حمایت از آنان در چهارچوب دفاع و حمایت از حقوق کودکان به شدت احساس می‌شود.

۳_ کودکان خیابانی به علت ویژگی‌های زندگی خود، منشاء بسیاری از رفتارهای نادرست هستند که نه تنها به خود آسیب می‌رسانند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می‌اندازند.

۴_ کودکان خیابانی به علت شرایط خاص زندگی خود به شدت مورد انواع آزار و سوء استفاده قرار می‌گیرند، و به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب‌های جدی وارد می‌شود. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۵۱)

وجود خانواده نابسامان و بد رفتاری با کودکان و رشد رفتارهای خشن علیه کودکان از مبانی و منشأ آسیب دیدگی کودکان خیابانی است. بد رفتاری با کودک که هرگونه خشونت‌ی که به قصد آزار جسمی به کودک اعمال یا به این نیت تلقی شود، بد رفتاری جسمی با کودک نامیده می‌شود، (رحیمی موقر و دیگران، ۱۳۸۲ به نقل از *Straus, M.A, Gelles, R,Q 1980*) در رشد و گسترش پدیده کودکان خیابانی نقش به‌سزایی دارند.

بد رفتاری با کودکان یک بیماری طبی، روانی و اجتماعی است که از ابعاد مختلف، آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل این آسیب، بزرگسالان و افراد مورد آسیب، کودکان هستند. مطالعات نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که پدران در فراهم نمودن قالب‌ها و الگوهای کافی برای رشد بچه ناتوان هستند، بچه‌های‌شان بزهکار از آب در می‌آیند. در حدود سه پنجم پسران و یک دوم دختران بزهکار از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که والدین آنان در قید حیات می‌باشند. (محسنی، ۱۳۷۹: ۸۶ و *Kuppusawami, 1990: 122* کوپوسوامی می‌نویسد: کودکان باید در محیط منزل احساس امنیت داشته باشند. وعد و وعیدهای انجام نگرفته از سوی والدین نمی‌تواند حس اعتماد را در کودکان افزایش دهد. کودکان باید با والدین خود در خصوص نیازها و خواسته‌هایشان به راحتی و صمیمانه صحبت کنند،

یک ولی مقتدر نمی‌تواند در برپایی نظام دموکراتیک در محیط خانواده خوب عمل کند. (Ibid, p. ۱۲۲)

از مصادیق عینی کودک آزاری که در گسترش پدیده کودکان خیابانی نقش دارد، می‌توان به آزار و سوءاستفاده جسمی (*Physical Abuse*)، سوءاستفاده جنسی (*Sexual Abuse*)، بی‌توجهی و فراموشی (*Neglect*) و سوء استفاده آموزشی (*Educational Abuse*) اشاره نمود.

نیوبک (*Neubeck, ۱۹۹۷: ۴۴۷*) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که هفتاد درصد والدین نسبت به فرزندانشان از بعضی از شکل‌های خشونت فیزیکی استفاده کرده و چهارده درصد کودکان از ضربات و آسیب‌های جدی واردشده رنج می‌برند.

بدرفتاری با کودکان با اشکال مختلف نظیر: استثمار نیروی کار کودکان، لذت جنسی بزرگسالان از آنان، بی‌خانمانی و سرگردانی بچه‌های بی‌سرپرست در خیابان‌ها و محرومیت و بی‌پناهی کودکان وجود دارد. واقعیت این است که کودک آزاری و غفلت نسبت به کودکان، هم عواطف کودکان را جریحه‌دار می‌سازد و هم به احساسات بزرگسالان لطمه می‌زند. زیان غفلت و سستی در این کار به مراتب بیش از هزینه‌هایی است که بالقوه برای پیش‌گیری از آزار به کودکان پرداخت می‌شود.

خطرهایی که این کودکان را تهدید می‌کند گرایش به مواد مخدر، سرقت، قاچاق و حمل مواد مخدر و قرار گرفتن در باندهای فساد است. سازمان بهداشت جهانی در مورد سوء استفاده جنسی از این کودکان اعلام می‌دارد: بیماری‌های درمان ناپذیری چون ایدز و جذام در آن‌ها مشاهده شده است. (نفیسی، ۱۳۸۲: ۳۰۶)

مهم‌ترین بزه و جرایمی که این دسته از کودکان مرتکب می‌شوند عبارت‌اند از:

سرقت: از جمله جرایم بسیار شایع در میان آنهاست، چنان‌چه این کودکان اسیر باندهای تبهکاری نشده باشند، سرقت‌های آنان بیش‌تر جزیی و شامل مواد خوراکی و یا مبالغ جزیی که برای زنده ماندن ضروری است، می‌باشد.

مصرف موارد مخدر: مصرف مواد مخدر ممکن است برای فرار از سرما یا افسردگی و تنش‌های روانی و خستگی جسمانی باشد.

در تحقیقی که سازمان بهداشت جهانی (WHO) روی بیش از ۵۵۰ کودک انجام داد، مشخص شد که نزدیک به صد درصد کودکان خیابانی در شهرهای تورنتو و مونترال از داروهای مخدر استفاده می‌نمودند. (کاشفی اسمعیلی ۱۳۷۸، به نقل از بهرام‌نژاد، علی و افسری، معصومه، ۱۳۷۵: ۲۶)

_ انحرافات جنسی، بیش‌تر در کودکان کارتن خواب شایع است.

_ خرید و فروش مواد مخدر، به دلیل سودآور بودن آن از اهمیت بالایی نزد کودکان خیابانی برخوردار است.

_ تکدی و ولگردی، از جرایم بسیار شایع در میان کودکان خیابانی است.

کودکان خیابانی قربانی شرایط نامساعد خانوادگی و اجتماعی-اقتصادی جامعه‌اند. بزه‌دیدگی این کودکان ابعاد بسیار وخیم و گسترده‌ای دارد. امروزه بزه‌دیدگی کودکان جنبه فراملی به خود گرفته و سازمان‌های تبهکاری بین‌المللی در این زمینه نقش فعالی دارند. در گزارشی آمده است:

کودکان خیابانی با مرگ تدریجی در حال نابود شدن هستند و هیچ کس نگران آن‌ها نیست و بعضاً در کنار خیابان‌ها می‌میرند و وحشتناک‌تر این که باندهای قاچاق، بسیاری از کودکان خیابانی را دزدیده و برای تخلیه و فروش اعضای داخلی بدن، آن‌ها را به ترکیه می‌برند. (روزنامه رسالت ۲۲ مهر ۸۱ به نقل از خبرگزاری ایرنا)

به‌طور خلاصه می‌توان جرایم علیه کودکان را بدین صورت معرفی نمود:

۱_ قتل، در شهرهای بزرگ این کودکان قربانیان تبهکاران و پلیس می‌شوند، برای نمونه، پلیس فدرال برزیل در مجموع تعداد ۴۶۱۱ مورد از قتل کودکان و نوجوانان در یک دوره سه ساله ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ م، ثبت کرده است. (کاشفی اسمعیلی، ۱۳۷۸)

۲_ اعمال خشونت‌آمیز و آزار جنسی یا روانی.

۳_ سوء استفاده جنسی یا تجاوزات جنسی، که نسبت به کودکان خیابانی بزرگ‌تر و یا سایر افراد صورت می‌گیرد.

۴_ خرید و فروش این کودکان، در داخل کشور برای تکدی یا اعمال مجرمانه یا ارسال آن‌ها به خارج از کشور.

۵_ خرید و فروش اعضای این کودکان، از کشورهای در حال توسعه و ارسال به کشورهای پیشرفته.
در واقع کودکان خیابانی به دلیل ضعف جسمانی و روانی، "بزه‌دیدگان بالقوه" محسوب می‌شوند و آماجی مطلوب برای سوء استفاده کنندگان و به ویژه باندهای تبهکاری می‌باشند.

راهکارها و پیشگیری

برای کاهش تعداد کودکان خیابانی و بهبود کیفیت زندگی آنان اقدامات اساسی بایستی صورت گیرد:

۱_ راهکارهای بلند مدت، نظیر تدوین برنامه‌ریزی کلان، از بین بردن فقر، برقراری عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی و ... که مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

۲_ راهکارهای کوتاه مدت و میان مدت:

۱_۲_ شناسایی کودکان خیابانی، که مستلزم انجام تحقیقات تخصصی در باب پدیده کودکان خیابانی است.

۲_۲_ ایجاد سرپناه مناسب بر حسب وضعیت کودکان برای آنها.

۲_۳_ ارائه سرویس لازم به کودکان خیابانی در زمینه‌های آموزش، بهداشت و ...

۲_۴_ جلوگیری از کار کودکان یا نظارت بر کار آنها.

۲_۵_ ارائه خدمات مورد نیاز به خانواده‌های کودکان خیابانی.

۲_۶_ تدوین قوانین مورد نیاز برای حمایت از کودکان خیابانی.

۲-۷_ تحت پوشش قرارداد دادن خانواده‌های کودکان خیابانی.

۲_۸_ مشخص کردن سازمان مسئول حمایت از کودکان خیابانی.

۲_۹_ استفاده از مشارکت مردمی در حمایت از کودکان خیابانی.

۲_۱۰_ ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه مراقبت و حمایت از کودکان خیابانی. (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸)

۲_۱۱_ اصلاح سیستم آموزش کشور و فراهم نمودن شرایط ادامه تحصیل برای کودکان.

۲_۱۲_ نظارت جدی بر کنترل جمعیت و تدوین قانون در این مورد.

۲_۱۳_ تأسیس و فعال‌سازی دادگاه اطفال.

۲_۱۴_ تأسیس مرکز یا بنیاد تحقیقاتی و پژوهشی در مورد کودکان.

متخصصین مربوط در قالب یک تیم تخصصی متشکل از پزشک، روانشناس، روان‌پزشک، جامعه‌شناس، جرم‌شناس، سیاستمدار، حقوقدان و ... بر روی این کودکان تحقیقات عمیق و گسترده‌ای انجام دهند.